

تحلیل انتقادی اندیشه‌های غزالی در مورد زنان با تکیه بر زمینه‌های تاریخی جامعه اسلامی

زیبا اسماعیلی^۱

چکیده

امام محمد غزالی یکی از برجسته‌ترین متفکران و تأثیرگذارترین عالمان دینی است که داعیه اصلاح و احیای دین داشته، جزء سرآمدان جریان بازگشت به سلف صالح محسوب می‌شود. تعلیم دین، شیوه حکمرانی و سایر آداب، چون آداب ازدواج در آثار او مورد توجه قرار گرفته است که در ضمن آن، آراء خود در مورد زنان را نیز ذکر می‌کند. تفکرات غزالی در مورد زنان، با متن اسلام مغایرت دارد. بررسی دقیق‌تر آراء او در مورد زنان، دیدگاه فرهنگی جامعه اسلامی را نسبت به زنان آشکار می‌کند. در این تحقیق با روش توصیفی و با رویکرد انتقادی، دیدگاه امام محمد غزالی در مسائل مربوط به زنان مورد بررسی قرار گرفته، سپس زمینه‌های تاریخی و اجتماعی تأثیرگذار بر تفکر او تحلیل گردید. نتایج تحقیق نشان داد که برخی دیدگاه‌های غزالی در مورد زنان، از فرهنگ جاهلی و تحولات جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر(ص)، متأثر است. وجود سفارش‌هایی چون مشورت با زنان و برخلاف آن عمل کردن، آفریده شدن زنان از دنده کج، محبوس کردن زنان در خانه و محروم کردن آن‌ها از آموزش، قرار دادن زنان در ردیف بردگان و تأکید بر کارکرد فرزندآوری مباحث مورد تأکید در اندیشه‌های غزالی است که با تغییرات فرهنگی جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر(ص)، ارتباط مستقیم دارد.

کلمات کلیدی: جامعه جاهلی، جامعه اسلامی، جایگاه زنان، زن ستیزی، امام محمد غزالی

^۱ . استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

۱- مقدمه و بیان مسأله

ابی حامد محمد بن محمد الغزالی الشافعی، ملقب به حجت الاسلام زین الدین الطوسی و امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ه.ق.) یکی از برجسته ترین متفکران و از تأثیرگذارترین اندیشمندان جهان اسلام محسوب می شود. دوران زندگی این عالم برجسته را می توان یکی از مهم ترین ادوار تمدن اسلامی به حساب آورد. در فاصله اندکی پیش از زندگی او، ارکان اربعه حدیث و اخبار شیعه امامیه؛ کافی از کلینی (م ۳۲۹ ه)، من لایحضره الفقیه از ابن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه)، تهذیب و استبصار از شیخ الطایفه محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ ه) تالیف شد. در علم کلام ابو حامد اسفراینی (م ۴۰۶ ه)، ابن فورک اصفهانی (م ۴۰۶ ه) به ترویج کلام اشاعره و ابوهاشم جبائی (م ۴۲۹ ه) و ابوزید بلخی (م ۳۲۲ ه) به ترویج کلام معتزله پرداختند. ابومنصور ماتریدی (م ۳۳۳ ه) مذهب کلامی ماتریدی را بنیان نهاد. در علم فلسفه محمد بن زکریای رازی (م ۳۱۳ ه)، ابونصر محمد فارابی (م ۳۳۹ ه) و ابوعلی سینا (م ۴۲۸ ه) ظهور یافتند. اخوان الصفا به تألیف رسالات به زبان ساده و قابل فهم پرداختند. محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ه) نخستین بار ترجمه ای از قرآن به فارسی ارائه کرد (صفا، ۱۳۸۴: ۷۷/۱). این پیشرفت های قابل توجه در علوم مختلف در دوران حکومت سامانیان (۲۸۷-۳۸۹ ه.ق.) که حدود دو قرن بر بخش های بزرگی از ماوراءالنهر فرمانروایی داشتند، حاصل شد. پس از این دوران درخشان، با انقراض سلسله های ایرانی نژاد، دوران حکومت های غزنویان و سلجوقیان آغاز گردید. تسلط این حاکمان منجر به تغییرات عظیمی در اصول عقاید سیاسی و اجتماعی ایرانیان شد. این حاکمان اغلب مردمی سختگیر و متعصب بودند. با روی کار آمدن ایشان سیاست دینی خاصی رواج یافت که سبب گسترش و تقویت مذهب تسنن شد (راوندی، ۱۳۶۹: ۴۱-۴۲). در اثر این سیاست ها، اختلافات مذهبی بین مذاهب و فرق مختلف اسلامی به اوج رسید (غنی، ۱۳۸۶: ۴۰۹). تا جایی که این برخی دوره را «دوره علمی و ادبی یا عصر مذهبی و جدلی» نامیده اند (ستوده، ۱۳۸۵: ۸۳). اگرچه در زمان اعتلای سلجوقیان، تأسیس مدارس، کتابخانه ها و خانقاه ها اهمیت قابل ملاحظه ای یافت، لکن ظاهر بینی و قشری گری در علوم دینی نیز در همین دوران گسترش پیدا کرد (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۴۷۸).

با توجه به وضعیت اجتماعی و فرهنگی این دوران، می توان به انگیزه های اساسی غزالی در نگارش کتاب های احیاء علوم الدین، نصیحه الملوک و کیمیای سعادت پی برد. او کتاب نصیحه الملوک را با هدف آموزش شیوه حکمرانی به حاکمان زمانه می نگارد، صحیح ترین شیوه های حکمرانی را ذکر می کند و از عملکرد حکمرانان بزرگ پیشین و خلفای چهارگانه مثال می آورد. در کتاب احیاء علوم الدین به شرح و توضیح مباحثی از اسلام می پردازد که در عرفان اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین دغدغه های اجتماعی او و نگاه اصلاح گرایانه اش نسبت به مسائل اجتماعی و وضعیت زنان را به خوبی می توان درک کرد. در کتاب کیمیای سعادت پس از توضیح و تفسیر اصول دین به بیان ارکان دین می پردازد. ارکان دین را به دو بخش کلی عبادات و معاملات تقسیم می کند. در قسمت عبادات از اعتقاد به خدا و صفات و افعال وی، اعتقاد به آخرت و اعتقاد به نبوت پیامبر (ص) آغاز می کند، سپس به شرح مباحث طلب علم، طهارت و آداب آن، نماز، زکات، روزه، حج، خواندن قرآن و ذکر حق تعالی می پردازد. در رکن دوم، آداب طعام خوردن با دیگران و میزبانی، آداب نکاح، آداب کسب، شناختن حلال و حرام، حق صحبت خلق، آداب عزلت، آداب سفر، آداب سماع و وجد، امر به معروف و نهی از منکر و در پایان اصول و آداب نگاهداشت رعیت و حکمرانی ولایت را به تفصیل شرح می دهد. در بخش آداب نکاح، آداب ازدواج و اصول آن را توضیح می دهد؛ در حین

شرح آداب ازدواج، آراء خود در مورد زنان را نیز بیان می کند. به عنوان یک متفکر اسلامی انتظار می رود آراء او در باب زنان و خانواده، منطبق با سیره پیامبر (ص) باشد اما در میان سخنانش نکاتی مغایر با سنت و سیره پیامبر (ص) مشاهده می شود.

آراء او در مورد زنان به گونه ای زن ستیزانه یا مردسالارانه است. غزالی در شکل گیری تفکرات اندیشمندان و متفکران پس از خود نقش اساسی ایفا کرده است. اندیشه های غزالی در زمینه تربیت اسلامی و اخلاق دینی بر سعدی شیرازی، در اندیشه های کلامی و عرفانی بر سنایی و عطار نیشابوری، در معرفت شناسی و مباحثی چون جبر و اختیار، عقل و عشق بر مولوی تأثیرگذار بوده است. همچنین می توان تأثیرات مستقیم تفکرات او را در مباحث توحیدی بر سید حیدر آملی، در مبانی فلسفی چون رابطه شریعت و اخلاق، حسن و قبح اخلاقی بر ملا محسن فیض کاشانی و در اندیشه های سیاسی بر تفکرات خواجه نصیرالدین طوسی دریافت. بنابراین به دلیل تأثیرگذاری گسترده اندیشه های غزالی بر عالمان پس از خود، نمی توان به صورت گذرا از کنار این قبیل تفکرات او عبور کرد.

این تأثیرگذاری گسترده سبب شده آراء غزالی مورد استناد عالمان جهان اسلام قرار بگیرد و غزالی به عنوان نماینده تفکر سلف صالح معرفی گردد. بنابراین واکاوی تفکرات او در زمینه خانواده و مسائل مربوط به زنان، زمینه های سیاسی و اجتماعی شکل گیری این تفکرات و تحلیل انتقادی این آراء ضرورت دارد. زمینه های غالب سیاسی و اجتماعی که تا سال های طولانی نگاهی زن ستیزانه را به اندیشه های اغلب اندیشمندان آن روزگار تحمیل کرده است. ردپای نگاه بدبینانه نسبت به زنان را در نگاه شاعرانی چون سنایی، خاقانی، ناصرخسرو، همچنین در آثار منثوری چون مرزبان نامه، سندبادنامه و طوطی نامه به وضوح می توان مشاهده کرد.

در این پژوهش، درصددیم تا با رویکردی تحلیلی انتقادی تفکرات و اندیشه های غزالی در مورد زنان را مورد کاوش و بررسی قرار داده، سپس اندیشه های غزالی را با زمینه های غالب فرهنگی و اجتماعی جامعه جاهلی و جامعه اسلامی که زمینه ساز به وجود آمدن این تفکرات در مسائل مربوط به زنان بوده، تطبیق دهیم.

۱-۱- روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی به نقد و بررسی دیدگاه های غزالی در مورد زنان پرداخته است. داده های پژوهش نیز با مطالعه اسنادی و کتابخانه ای گردآوری شده، با واکاوی معنایی بررسی گردیده است. برای این منظور ابتدا دو اثر غزالی (احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت) بررسی شد که حاوی دیدگاه های غزالی در موضوع خانواده و زنان است. سپس دیدگاه های کلی غزالی در این زمینه استخراج شد. در مرحله بعد با مراجعه به منابع تاریخی (وفیات الاعیان، طبقات الکبری، عیون الاخبار، عقدالفرید و مروج الذهب) مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه جاهلی، دوران اسلامی و وضعیت جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) واکاوی گردید. پس از گردآوری داده ها، تحلیل آن ها به روش تطبیقی یا مقایسه ای انجام گرفت. پژوهش حاضر از رهیافت مقایسه ای کمک گرفته تا دیدگاه غزالی را با بنیان های فرهنگی جامعه اسلامی مورد تطبیق قرار دهد. در راستای انجام این مقایسه ابتدا آراء غزالی در مورد زنان بیان، سپس زمینه های تاریخی و تفکرات غالب دوران جاهلیت یا دوران پس از رحلت پیامبر (ص) بررسی شد. در نهایت تحلیل یافته ها به روش تطبیقی انجام گرفت.

۱-۲- پیشینه پژوهش

پیش از این مقالاتی به نقد اندیشه‌های غزالی در مورد زنان پرداخته‌اند.

رحیم‌پور (۱۳۹۱) «نقدی بر جایگاه زن در اندیشه غزالی» را منتشر کرده است. نویسنده در این پژوهش اندیشه غزالی را در خصوص تعلیم و تربیت، حقوق و وظایف زنان بیان کرده، به نقد آراء او پرداخته است. نویسنده به این نتیجه دست یافته که غزالی به برتری جنسیتی قائل است و بینش مردسالارانه دارد. از نظر او زن جنس مادون است. خرد و اندیشه‌اش ناقص است. قادر به اداره زندگی خود نیست و به تباهی می‌گراید. رحیم‌پور تفکرات زن‌ستیزانه غزالی را مورد انتقاد قرار داده، اما به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی که در جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) رخ داده و سبب شکل‌گیری این تفکرات شده، نپرداخته است. از این نظر پژوهش رحیم‌پور به طور کامل با پژوهش حاضر تفاوت می‌یابد.

رحیم‌پور، استکی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «مطالعه تطبیقی جایگاه زن در دیدگاه غزالی و ابن عربی» به بررسی جایگاه زن در آراء غزالی و ابن عربی پرداختند. نگارندگان در این مقاله پس از تبیین جایگاه زن در اندیشه غزالی و ابن عربی، به این نتیجه رسیده‌اند که غزالی جایگاه زنان را در جایگاه همسر با تعابیر ناشایستی معرفی می‌کند، نقصان‌های بسیاری برای او قائل می‌شود و شأن اجتماعی برای او قائل نیست. ابن عربی زن را در جایگاه همسر واجد کمالاتی می‌داند که مردان قادر به کسب آن‌ها هستند. این پژوهش بررسی تطبیقی تفکرات غزالی و ابن عربی در مسأله زنان است. نگاهی انتقادی به مسأله ندارد و زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری تفکرات این دو عالم را بررسی نکرده است و با پژوهش حاضر تفاوت کلی دارد.

نوری، افضل‌ی شیخی و زارعی (۱۴۰۰) در مقاله «نقد دیدگاه غزالی در مسئله ادراکات عقلی زن» دیدگاه‌های غزالی در مسئله ادراکات عقلی زن را مورد پژوهش قرار داده‌اند. نویسندگان به نقد مدعای غزالی در مسئله قدرت تعقل زنان پرداخته‌اند. بر اساس این پژوهش غزالی گرچه به انسانیت زن اذعان دارد ولی او را از نظر قدرت تعقل کم‌بهره‌تر از مرد می‌داند. از این رو تفکراتی چون ذاتی بودن رذایل اخلاقی در زنان و ناتوانی زنان در کسب معرفت در اندیشه غزالی مشاهده می‌شود. پژوهندگان تنها به دیدگاه غزالی در خصوص ادراکات عقلی زنان پرداخته‌اند. این پژوهش به طور کامل با پژوهش حاضر تفاوت دارد.

پژوهش حاضر زمینه‌هایی تاریخی و سیاسی را که سبب انحراف فکری جامعه اسلامی در مسأله زنان شده و بر تفکرات غزالی تأثیرگذار بوده، بررسی کرده است. زمینه‌هایی که تغییرات فرهنگی ایجاد کرده، شکل دهنده تفکرات زن‌ستیزانه در جامعه اسلامی و اندیشه‌های متفکرانی چون غزالی بوده است. تاکنون زمینه‌های تاریخی و اجتماعی اثرگذار بر آراء متفکری چون غزالی در مسأله زنان، مورد پژوهش قرار نگرفته است و علیرغم جستجوی بسیار هیچ پژوهشی یافته نشد. در این پژوهش تلاش شده است تفکرات غزالی در مورد زنان، با توجه به تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص)، بررسی و تحلیل شود.

۲- مبانی نظری

زنان در دوران جاهلیت از حقوق فردی و اجتماعی محروم بودند؛ اما برخی زنان در طبقات خاص اجتماعی، اختیارات نسبی داشتند. از این رو در مورد جایگاه زنان در دوران جاهلیت اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی زنان را در دوران جاهلیت برخوردار از حقوق، دارای آزادی، استقلال رای و اراده می دانند (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۴۲). حضور فعال زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و اقتصادی، بازگشت نسب در میان برخی از قبایل عرب به زنان، شهرت بسیاری از بزرگان عرب به نام مادرانشان، مشاوره با زنان در امور نظامی و اعطای امان به دشمن و پذیرش امان دادن زنان از سوی قبایل، دلایل عمده این تفکر محسوب می شود (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). گروهی دیگر وضعیت زندگی زنان را در دوران جاهلیت نامناسب و اسفبار می دانند. زنده به گور کردن دختران، عدم مالکیت زنان و عدم حق انتخاب همسر را دلیل می آورند. توجه به آیات قرآن و تأکید بر برخورداری زنان از حقوقی چون ارث، نفقه و ... در قرآن، نشان دهنده وضعیت نامناسب زندگی زنان در دوران جاهلیت است.

یکی از حقوق زنان و دختران که در دوران جاهلیت ستانده می شد، حق حیات ایشان بود. زنده به گور کردن دختران یکی از نموده های فرهنگ جاهلی است (معموری، خوش سخن مظفر، ۱۳۸۹: ۷۶). قرآن کریم در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نحل به این موضوع اشاره می کند (نحل: ۵۸-۵۹) و در سوره تکویر این عمل را محکوم می نماید (تکویر: ۸-۹). یکی از دلایل زنده به گور کردن دختران، به اسارت افتادن دختران در دست دشمن در زمان جنگ بود که مایه ننگ و عار ایشان می شد. به این ترتیب دختران خود را بزرگترین نقطه ضعف خود در مقابل دشمن می دیدند (نوری، ۱۳۵۷: ۶۵۹). علاوه بر این، عوامل اقتصادی و فرهنگی نیز انگیزه ایشان را تقویت می کرد. قرآن کریم یکی از دلایل کشتن دختران را ترس از فقر و تنگدستی می داند و آنان را از کشتن فرزندانشان نهی می کند (انعام: ۱۵۱) / (اسراء: ۳۱).

با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، تغییرات فرهنگی عمیقی در جامعه به وجود می آید. اسلام آداب و رسوم غلط رایج دوران جاهلیت را منسوخ می سازد و با هدف بهبود و ارتقاء فرهنگی جامعه، آداب و رسوم جدیدی را جایگزین می کند. یکی از مهم ترین مسائلی که اسلام برای بهبود آن تلاش می کند وضعیت زندگی زنان است. اولین حقی که اسلام به زنان و دختران باز می گرداند، حق حیات است. پیام های صریح قرآن کریم مبنی بر بازگرداندن حق حیات به دختران، در کنار تلاش های پیامبر (ص) سبب برچیده شدن این سنت غلط می شود.

دومین مسأله از حقوق زنان در دوران جاهلیت، حق مالکیت ایشان است. برخی بر این باور هستند که در رسوم جاهلی، مالی به زن تعلق نمی گرفت و اگر هم چیزی تعلق می یافت، تملک آن به عهده ولی یا شوهر زن بود (موسوی مبلغ، ۱۳۸۰: ۱۹۴-۲۲۳). عدم مالکیت زنان نسبت به مهر و ارث را نیز دلیل می آورند (مهریزی، مشهد علی پور، ۱۳۸۹: ۲۸). دلیل محروم کردن زنان از ارث این بود که اعتقاد داشتند کسی باید ارث ببرد که بتواند برای قبیله شمشیر بزند یا از خود دفاع کند (علی، ۱۴۱۳: ۵ / ۵۶۲). نباید از نظر دور داشت که نمی توان اصل مالکیت زنان در دوره جاهلی را به صورت مطلق انکار کرد. آیه ۱۹ سوره نسا به حق مالکیت زنان اشاره می کند (نساء: ۱۹). این آیه نشان دهنده وجود اصل مالکیت زنان در دوره جاهلی است. همچنین تجارت برخی زنان در دوره جاهلی که حضرت خدیجه (س) مشهورترین آن ها است، شاهد دیگر وجود مالکیت زنان در دوره جاهلی است (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۴۴). معلوم نیست حق مالکیت زنان در دوره جاهلی چه مقدار به رسمیت شناخته می شد. عرب جاهلی خوراک و پوشاک زن را تأمین می کرد؛ اما آن چه از کار زن به دست می آمد، مال مرد بود. اسلام حق

مالکیت زنان را به رسمیت شمرد و برای زنان حقوق ارث، مهریه، دیه و نفقه قائل شده، درآمدشان از کسب را از آن خود ایشان می‌داند (نساء: ۳۲).

در دوران جاهلیت تنها مسأله‌ای که برای زنان جایگاه و موقعیت قابل قبول ایجاد می‌کرد، به دنیا آوردن فرزندان پسر بود؛ بنابراین مهم‌ترین مسأله زندگی زنان، ازدواج و به دنیا آوردن فرزندان ذکور محسوب می‌شد.

تلاش‌های پیامبر (ص) برای ایجاد زمینه‌های فرهنگی در جهت بهبود زندگی زنان، اوضاع اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی را بسیار تحت تأثیر قرار داد. محبوب شمردن فرزند دختر و تحسین او، مالیمت با زنان، مشارکت دادن زنان در امور اجتماعی، بیعت با زنان، هجرت زنان به حبشه و مدینه، حضور در رایزنی‌ها، امر به معروف و نهی از منکر، حضور در اجتماعات دینی چون حضور در حج و عمره، حضور در مساجد، شرکت در نماز جمعه و نماز عیدین، اشتغال به امور اقتصادی، نمونه‌هایی از مشارکت‌های اجتماعی زنان در دوران اسلامی است. در مجموع آموزه‌های اسلام با تأکیدهای قرآنی و تلاش‌های پیامبر (ص) منجر به بهبود و ارتقاء وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان شد. زنان اجازه حضور در مساجد را یافتند و مساجد به عنوان پایگاه‌های فرهنگی، جایگاه علم‌آموزی و تعلیم و تعلم زنان گشت. تعامل اجتماعی زنان تقویت شد و زنان از حقوقی چون حق مالکیت ارث، نفقه، مهریه، دیه و کسب برخوردار شدند. مجموع این عوامل زمینه رشد فرهنگی و اجتماعی زنان را ایجاد کرد. اما علیرغم تلاش‌های پیامبر (ص) وضعیت بهبود یافته زنان و اصلاحات فرهنگی و اجتماعی ایجاد شده، پس از رحلت پیامبر (ص) چندان دوام نیافت. باورهای جاهلی رسوب یافته در اذهان عمومی، با اعمال سیاست خلفا به خصوص خلیفه دوم تبلیغ شد. خلیفه دوم برخلاف سنت پیامبر (ص) اقدام به ایجاد محدودیت برای علم‌آموزی زنان و حضور ایشان در اجتماعات دینی کرد. عقاید خلیفه دوم در باب زنان را می‌توان از جملاتی چون «النساء عورة فاستروها بالبیوت، و داووا ضعفهن بالسکوت. لاتسکونا نساء کم الغرف، و لاتعلموهن الکتاب، و استعینوا علیهن بالعری، و اکثروا لهن من قول لا، فان نعم، تعریهن علی المسأله» (ابن قتیبہ دینوری، ۱۴۱۸: ۷۷/۴)؛ (زنان عیب‌هایند، پس در خانه‌ها پنهانشان کنید و ضعف ایشان را با سکوت مداوا کنید. نوشتن را به آنان نیاموزید، ایشان را به برهنگی عادت دهید و بسیار به ایشان «نه» بگویید، زیرا که گفتن «بلی» ایشان را بر مسأله جسور می‌کند)، به خوبی درک و دریافت کرد. غزالی از خلیفه دوم نقل قول می‌کند: «با زنان حدیث عشق مگویید تا دل ایشان تباه شود که زنان همچون گوشت‌اند بر صحرا افکنده، نگاه دارنده ایشان خدای است» (غزالی، ۱۳۶۱: ۲۶۸). خلفای بعدی سیاست خلیفه دوم را در مورد زنان ادامه دادند و نگرش او را اساس سیاست‌گذاری خود قرار دادند. تا جایی که معاویه، ابن عمر را که بر مرگ عایشه می‌گریست مورد خطاب قرار داد و گفت: آیا تو برای زنی گریه می‌کنی؟ (ابن خلکان، ۱۹۰۰: ۱۶/۳)

این تفکرات تا قرن‌ها بعد در جامعه اسلامی ادامه یافت و زمینه‌های فرهنگی جامعه اسلامی در مسأله زنان را تحت الشعاع قرار داد.

۳- تحلیل انتقادی آراء غزالی در مورد زنان

غزالی به عنوان یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان و متفکران جامعه اسلامی، با داعیه اصلاح جامعه اسلامی، به نگارش آثاری ارزشمند چون «احیاء علوم الدین» و «نصیحه الملوک» پرداخته است. بی‌شک در نگاه عالمی چون او، مسأله خانواده از مهم‌ترین مسائل بوده است. لکن تفکرات او در مورد زنان و زمینه‌های اثرگذار در به وجود آمدن این تفکرات، نیاز به بررسی و تحلیل دارد.

۱-۳- آراء غزالی در مسأله دلایل ازدواج و تأثیرپذیری از فرهنگ جاهلی

غزالی آداب نکاح را در قسمت معاملات کتاب کیمیای سعادت ذکر می‌کند. دلیل اصلی ازدواج را بقای وجود می‌داند و دلیل دوم را زیاد شدن بندگان خدا و امت مصطفی (ص) ذکر می‌کند (غزالی، ۱۳۸۱: ۲۸۵-۲۸۶). علاوه بر ذکر دو مورد قبلی «دور کردن شهوت و حفظ دین» را نیز بیان می‌کند (همان). او مهم‌ترین فواید ازدواج را موارد: فرزندآوری، دور کردن شهوت و حفظ دین، انس و راحتی دل به سبب دیدار زنان، رسیدگی زنان به امور خانه، صبر بر اخلاق زنان، کفایت کردن مهمات ایشان و نگاهداشت ایشان بر راه شرع (غزالی، ۱۳۸۱: ۲۹۰-۲۸۸) می‌داند. اما با قطعیت می‌گوید: «لیکن باید نکاح بر نیت فرزند باشد» (همان، ۲۸۸). بنابراین تأکید بسیار غزالی بر مقوله فرزندآوری آشکار می‌شود.

در برابر تأکید غزالی بر مقوله فرزندآوری در مبحث ازدواج، در قرآن کریم دلیل ازدواج به آرامش رسیدن زن و مرد معرفی می‌شود (روم: ۲۱). هدف ازدواج رسیدن به معنویت، بقای نسل، تربیت نسل و سکون و آرامش معرفی می‌گردد. خداوند در سوره بقره به بقای نسل اشاره می‌فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْزٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَزَنَكُمْ أُنَّی سِئْتُمْ» (بقره: ۲۲۳)؛ (زنان شما کشتزار شمایند. هر زمان و هر کجا که خواستید به کشتزار خود درآیید). در آیات دیگری به نقش ازدواج در ایجاد آرامش روحی تذکر می‌دهد: «وَ مِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» (روم: ۲۱)؛ (و از نشانه‌های قدرت او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید). «... وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» (اعراف: ۱۸۹)؛ (و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد). «... هُنَّ لِيَاسٍ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٍ لَهُنَّ...» (بقره: ۱۸۷)؛ (آنان پوشش شما و شما پوشش ایشان هستید). این آیات زنان را موجبات آرامش مردان می‌خواند و تفکرات جاهلی در مورد طفیلی بودن زنان در برابر مردان و آفریده شدن زنان با هدف خدمت به مردان را از بین می‌برد.

غزالی برای تأکید بر مقوله فرزندآوری، حدیثی از پیامبر (ص) نقل می‌کند که پیامبر (ص) از نکاح با زن عقیم نهی کرده است تا مقوله فرزندآوری را سنت موکد به حساب آورد: «زن زشتی که زاینده باشد بهتر از نیکویی عقیم» (غزالی، ۱۳۸۱: ۲۸۷).

به نظر می‌رسد این حدیث، نیاز به بررسی دارد. اگر پیامبر (ص) قائل به چنین نظری بود، حتما باید این نظر ایشان، در زندگی شخصی و خصوصی‌شان اثری می‌گذاشت. بنابر شواهد تاریخی جز حضرت خدیجه و ماریه قبطیه، بقیه همسران پیامبر فرزندى برای ایشان به دنیا نیاوردند.

تأکید غزالی بر فرزندآوری، بیشتر به تفکرات جامعه عربی شباهت دارد که معیار ارزشمندی زنان در زاینده‌گی ایشان بود. زن عقیم هیچ ارزشی نداشت و ارزشمندی زندگی زنان، در گرو به دنیا آوردن فرزندان پسر بود. در جامعه عربی اصلی‌ترین مسئولیت زنان، به دنیا آوردن فرزندان ذکور بود. به همین سبب زنان بسیار زاینده را بر زن زیبای نازا ترجیح می‌دادند (علی، ۱۴۱۳: ۴/۶۳۸). رفتار خلیفه دوم در ازدواج و توجه او به اهمیت فرزندآوری زنان، نمایانگر تفکرات عمومی جامعه عربی در مسأله ازدواج با زنان است که «ازدواج نمی‌کرد با زنان به خاطر شهوت، جز برای طلب فرزند» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳/۳۲۵). در باور اعراب تداوم نسل تنها از طریق پسران میسر می‌شد و چون حفظ نسب در نظر آن‌ها اهمیت بسیار داشت، داشتن پسر را به منزله حفظ منزلت و موجودیت خود می‌دانستند (مشارقه، ۱۹۸۸: ۱۳۱). در فرهنگ جاهلی پسران بر دختران برتری داشتند، چراکه در آینده به جنگجویان و مدافعان قبیله تبدیل می‌شدند. حال آنکه دختران زمان جنگ جز مزاحمت و بی‌آبرویی هنگام اسارت، چیز دیگری نداشتند (سالم، ۱۳۸۰: ۳۹۵-۳۹۷). تفکری که چندین قرن در جامعه اسلامی تداوم یافته، برتری ذاتی پسران نسبت به دختران را در اذهان عمومی ایجاد کرده است. در نتیجه چنین تفکری دیدگاه‌های مردسالارانه در خصوص زنان و دختران حتی در اندیشه‌های عالمان و متفکران بازتاب یافته است تا جایی که ردپای این گونه تفکرات را در آراء اندیشمندان متفکری چون غزالی نیز می‌توانیم مشاهده کنیم.

۲-۳- آراء غزالی در مسأله رضایت دختر در ازدواج متأثر از فرهنگ جاهلی

غزالی در کنار بیان فواید ازدواج، برای صحت عقد، شرایطی ذکر می‌کند که بدون آن ازدواج صحیح نیست. یکی از این شرایط رضایت زن است. غزالی می‌گوید: «مگر که دوشیزه بود، چون پدر وی را بدهد به رضای وی حاجت نباشد و هم اولیتر آن باشد که بر وی عرضه کنند آن گاه اگر خاموش بود کفایت بود» (غزالی، ۱۳۸۱: ۲۹۲). اگرچه در جای دیگر می‌گوید: «ولی دختر باید که مصلحت دختر را نگاه دارد. از مرد بدخو، زشت و عاجز از نفقه حذر کند». همچنین کفو بودن را شرط لازم می‌داند: «اگر کفو نباشند نکاح روا نباشد» و از سپردن دختران به افراد فاسد و فاسق برحذر می‌دارد: «به فاسق دادن روا نباشد» (همان، ۲۹۶). اما آیا ذکر این شرایط به عنوان توصیه‌های اخلاقی می‌تواند جایگزین رضایت دختران برای ازدواج باشد؟ در حالی که در اسلام رضایت دختر شرط ازدواج و صحت عقد دانسته شده است.

به نظر می‌رسد نادیده گرفته شدن مسأله رضایت دختر در ازدواج نیز متأثر از سنت‌های جاهلی است که در مورد ازدواج دختر (باکره) تصمیم‌گیری به عهده ولی او بود و ولایت پدر بر دختر، اختیار دختر در انتخاب همسر را از او سلب می‌کرد. در دوران جاهلیت، دختر تحت قیمومیت پدر، سپس تحت ولایت شوهر، پس از مرگ شوهر تحت فرمان پسران شوهر یا بستگان شوهر قرار می‌گرفت. در همه حال تحت ولایت مردان بود و تمایلات مردان سرنوشت او را تعیین می‌کرد و حق فروش، قتل یا ضرب و شتم او را داشتند (پیشوایی، پیشوایی، ۱۳۸۹: ۵۱). در مورد ازدواج دختر (باکره) تصمیم‌گیری به عهده ولی او بود، پدر و پس از او برادر بزرگ‌تر یا عمو تصمیم می‌گرفت و دختر حق اظهارنظر نداشت (منتظری مقدم، ۱۳۸۴: ۱۳۲). ولایت پدر بر دختر در امر ازدواج، اختیار را از دختر سلب می‌کرد و دست پدر را در تحمیل خواسته خواستگاران بر دختر خود باز می‌گذاشت (حکیم‌پور، ۱۳۸۲: ۹۱).

برخی از زنان عرب براساس شرافت نسبی یا مکنت مالی به جایگاهی دست می‌یافتند که امر ازدواج ایشان به دست خود آنان بود و از میان خواستگاران خود، فرد دلخواهشان را انتخاب می‌کردند (همان، ۱۳۲)؛ از این رو در برخی منابع آمده است که زنان در ازدواج اجازه انتخاب داشتند و می‌توانستند همسر آینده خود را انتخاب کنند، مثل هند که ابوسفیان را به همسری برگزید (ابن عبد ربه الاندلسی، ۱۴۰۹: ۶/۹۶).

۳-۳- آراء غزالی در مسأله مشورت با زنان با تأثیرپذیری از فرهنگ جاهلی

در آراء غزالی جمله‌ای قابل تأمل در رابطه با مشورت با زنان مشاهده می‌شود: «با زنان مشاورت باید کرد و باز خلاف باید کرد در آنچه گویند» (غزالی، ۱۳۸۱: ۲۹۹). این تفکر به صورت وسیع در جامعه آن دوران دیده می‌شود. به گونه‌ای که در بیش‌تر کتاب‌های آن دوران شاهد جملاتی مبنی بر تحذیر از مشورت با زنان هستیم (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸: ۷۸/۴). همچنین از قول خلیفه دوم در باب مشورت با زنان آورده است: «خالقوا النساء فان فی خلافهن برکه» با زنان مخالفت کنید که در مخالفت ایشان برکت است. همچنین «شاوروهن و خالفوهن» مشورت کنید با ایشان و مخالفت کنید (غزالی، ۱۳۷۷: ۹۳/۲).

به نظر می‌رسد که این مسأله متأثر از فرهنگ جاهلی است که مشورت با زنان را نشانه حماقت می‌دانستند. در فرهنگ جاهلی زنان به مثابه موجوداتی ضعیف و فاقد قوه تشخیص پنداشته می‌شدند (جمشیدی‌ها، زائری، ۱۳۸۷: ۷)؛ بنابراین زنان را ناقص‌العقل دانسته، رایزنی با زنان را امری احمقانه می‌پنداشتند (مهریزی، مشهد علی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳).

در حالی که در سیره پیامبر (ص) آشکارا آمده است که ایشان با زنان مشورت می‌کردند و از این امر پرهیز نداشتند. نمونه‌ای از مشورت پیامبر (ص) با زنان، مشورت ایشان با ام سلمه در جریان صلح حدیبیه بود (واقعی، ۱۴۰۹: ۶۱۳/۲). به نظر می‌رسد این تفکر دوره جاهلی تنها در تفکرات غزالی اثرگذار نبوده، بلکه به عنوان تفکری غالب در جامعه اسلامی رایج بوده است تا جایی که در آثار شاعران و نویسندگان نیز ردپای این تفکر مشاهده می‌شود (سعدی، ۱۳۸۱: ۱۷۹ / فردوسی، ۱۳۷۹، ۵/۲۱۸).

در زمینه نقصان عقلی زنان روایاتی نیز نقل شده است. این روایات از لحاظ سند ضعیف هستند اما از آن‌جا که دلیلی بر ساختگی بودن آن‌ها ذکر نشده، قابل بررسی است. دسته‌ای از این روایات از پیامبر (ص) (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۳۹۰ / کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۲۲) و دسته‌ای از امام علی (ع) پس از جنگ جمل است (ابن‌ابی‌طالب، ۱۳۸۰: ۱۲۹).

برخی در خصوص روایات نهج‌البلاغه بر این باورند که «بخشی از نکوهش‌های نهج‌البلاغه درباره زن، ظاهراً به جریان جنگ جمل برمی‌گردد» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۶۸). ایشان معتقدند که مخاطب این نکوهش‌ها عایشه است که جنگ جمل را به راه انداخت. زیرا آن‌چنان‌که سید رضی پیش از ذکر خطبه ۸۰ نهج‌البلاغه ذکر کرده، امام علی (ع) این خطبه را پس از جنگ جمل ایراد نموده است (ابن‌ابی‌طالب، ۱۳۸۰: ۱۲۹).

این روایات به شیوه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بررسی روایات و تفسیر آن‌ها نشان می‌دهد که منظور از نقصان عقل، قوه تشخیص و تعقل نیست بلکه ضعف حافظه است که برای تبیین حکم شرعی شهادت دو زن در برابر یک مرد بیان شده است (هاشم‌پور مولا، افسردیر، ۱۳۹۳: ۴۳).

۴-۳- آراء غزالی در مسأله خلقت زنان تحت تأثیر اسرائیلیات

در کلام غزالی جملاتی در مورد زنان وجود دارد که این جملات را با احادیثی از پیامبر (ص) صحت بخشیده است. در لابلای کلام او «تشبیه زن به استخوان پهلوی» وجود دارد. غزالی گوید: «در جمله زنان وضعی است که علاج آن تحمل است و کوژی است که علاج آن سیاست مرد است. مرد باید که چون استاد طبیب بود که هر علاچی به وقت خویش نگه می‌دارد. در خبر است که مثل زن همچون استخوان پهلوی است: اگر خواهی که راست کنی بشکند» (غزالی، ۱۳۸۱: ۲۹۹).

از مهم‌ترین مسائلی که پس از رحلت پیامبر (ص) در جامعه اسلامی تغییر کرد، مسأله خلقت زن بود. مسأله خلقت زن از دنده چپ مرد در تورات ذکر شده است. «خداوند آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یکی از دنده‌هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد و از آن دنده زنی سرشت و او را پیش آدم آورد» (کتاب مقدس: ۱۸/۱-۲۴). قرآن آفرینش زن و مرد را از اصلی واحد می‌داند. آفریده شدن زنان از دنده چپ مردان در برخی آیین‌ها چون آیین یهود رواج داشت که در میان مردم عربستان نیز نفوذ و گسترش یافته بود. پس از رحلت پیامبر (ص) در عرف جامعه اسلامی این مفهوم متداول شد که زن از دنده چپ مرد آفریده شده است (مسلم، بی‌تا: ۴/۱۷۸). سخن غزالی و روایاتی که در این زمینه ذکر شده، بر نقص ذاتی زن در برابر مرد دلالت دارد و زن را در درجه دوم خلقت قرار می‌دهد. تفکری که وجود زنان را حقیر و بی‌مایه می‌دانست که با هدف خدمتگزاری، بندگی و بردگی مردان آفریده شده‌اند و زمینه پیدایش روایاتی را مبنی بر خلقت ایشان از دنده کج فراهم کرد (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸: ۴/۷۷). بنابراین به نظر می‌رسد سخن غزالی و روایاتی که در این زمینه ذکر می‌کند، منشاء اسرائیلی دارد و تحت تأثیر فرهنگ یهود در جامعه اسلامی رواج یافته است.

۵-۳- آراء غزالی در مسأله عدم حضور زنان در اجتماع تحت تأثیر تغییرات جامعه اسلامی

در آراء غزالی تأکید بر خانه‌نشینی زنان وجود دارد. خارج نشدن زنان از خانه را حق مردان بر گردن زنان می‌داند: «حق مرد بر زن آن است که در خانه بنشیند و بی‌دستوری وی بیرون نشود و به در و بام نشود و با همسایگان مخالطت و حدیث بسیار نکند و بی‌ضرورتی در نزدیک ایشان نشود» (غزالی، ۱۳۸۱: ۳۰۵). و به صورت موکدی به مردها سفارش می‌کند که در این امر کوتاهی نکنند: «از هر چه ممکن است از

آن آفت خیزد بازدارد؛ تا تواند بیرون نگذارد، به بام و در نگذارد که هیچ نامحرم وی را ببند و نگذارد که به روزن طاقچه به نظاره مردان شود که آفت از چشم خیزد. و بی سبب گمان بد نبرد و غیرت از حد نبرد» (همان، ۳۰۰).

پس از رحلت پیامبر (ص) برخی از مسائل فرهنگی و اجتماعی تغییر یافت. یکی از مهم ترین تغییرات در وضعیت اجتماعی پس از رحلت پیامبر (ص)، مسائل مربوط به زنان و خانواده بود که با سنت پیامبر (ص) مغایرت داشت. پس از به خلافت رسیدن خلیفه دوم، سختگیری های او در مورد حضور زنان در اجتماع زمینه ساز تغییرات اجتماعی شد. خلیفه دوم برخلاف سنت پیامبر (ص)، اقدام به ایجاد محدودیت برای علم آموزی زنان و حضور ایشان در اجتماعات دینی کرد. به نظر می رسد ایجاد محدودیت برای زنان، با فتوحات گسترده جامعه اسلامی و تغییرات ناشی از این فتوحات ارتباط مستقیم داشت. اوج گرفتن فتوحات در زمان خلیفه دوم و گسترش آن در ابتدای دوران امویان تغییرات اجتماعی دیگری بود که زمینه های تغییر وضعیت زنان در جامعه اسلامی را ایجاد کرد. سرازیر شدن ثروت ناشی از این فتوحات به جامعه اسلامی و توزیع ناعادلانه آن، گرایش به دنیا دوستی و ثروت پرستی را افزایش داد که منجر به افزایش مفاسد اخلاقی در جامعه می شد. پس از مدتی با روی کار آمدن حکومت بنی امیه، دنیاگرایی و فساد عمومی افزایش یافت و تلاش امرای اموی برای از بین بردن ارزش های اسلامی و مبارزه با اساس اسلام، این امر را تسریع کرد. متعاقب افزایش فساد اخلاقی، علمای دینی زنان را به عدم حضور در اجتماع و پرده نشینی توصیه می کردند.

ورود کنیزان بسیار به جامعه اسلامی بر اثر فتوحات گسترده، عامل دیگری برای ایجاد تغییر وضعیت زنان در جامعه اسلامی شد. با افزایش تعداد کنیزان در جامعه اسلامی، مردان ازدواج با کنیزان را به ازدواج با زنان آزاد ترجیح دادند. عبدالملک بن مروان از ازدواج با زنان آزاد با وجود امکان تمتع از کنیزان اظهار شگفتی می کرد (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸: ۹/۴). تنها مسأله در ازدواج با کنیزان بحث فرزندان بود که البته پس از گذشت مدتی این مشکل نیز حل شد و کنیزی که صاحب فرزند می شد، «ام ولد» نامیده می شد و از مزایای زن عقدی برخوردار می گشت (همان، ۸).

مسعودی ضمن بیان کنیزان آوازه خوان و شهرت ایشان در جامعه آن روزگار، حکایت کنیزی را ذکر می کند که در اثر آوازخوانی او قاضی مدینه از خود بیخود شده، گفت: «مرا در بیت الحرام قربانی کنید که من شترم». وقتی این خبر به گوش عمر بن عبدالعزیز رسید، قاضی را از کار قضا برکنار کرد. قاضی کنیز را نزد عمر برد و عمر پس از شنیدن صدای آواز او، قاضی را به کار خود بازگرداند (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱۹۱/۲-۱۹۲).

همچنین روایتی نقل کرده است از عشق پنهانی جوانی از بنی امیه و کنیز یکی از قریشیان. روزی جوان در حضور سران اهل مدینه از قریش و انصار، از این کنیز خواست آوازی بخواند. کنیز در پاسخ، آواز نیکویی خواند. این خبر به عمر بن عبدالعزیز رسید و کنیز را در مقابل ده باغ خرید و با جهاز بدو داد (همان، ۱۹۲).

وجود چنین مسائلی در جامعه اسلامی نشان دهنده وجود فساد عمومی در جامعه است. به این ترتیب می توان دانست تأکید علمایی چون غزالی بر خانه نشینی زنان، تحت تأثیر کدام مسائل فرهنگی و اجتماعی است. می توان حدس زد که در چنین جامعه ای روابط نامشروع و زنا تا چه درجه ای نفوذ داشته است. تحت تأثیر چنین مسائلی است که در کتاب های ادبی شاهد چهره منفور زنان هستیم و نویسندگان ایرانی و عربی، زنان را شخصیت هایی هوسباز، حيله گر و خیانتکار توصیف می کنند.

۳-۶- آراء غزالی در مسأله حقوق همسران متأثر از انحطاط فکری جامعه اسلامی

غزالی در ذکر آداب نکاح از آداب زندگانی مردان با زنان سخن می گوید و این مسأله بیانگر تقدم آموزش بر مردان در دیدگاه او است. حقوق زن را که بر عهده شوهر است را برمی شمارد و آداب زندگی را خطاب به مردان یاد می دهد. در میان این آموزه ها بر خلق نیکو با زنان تأکید و از مساعدت در هوای باطل نهی می کند و در پایان آموزه هایش برخلاف نظر زنان عمل کردن را سفارش می کند: «معنی خلق نیکو آن است که ایشان را نرنجانند، بلکه رنج ایشان را تحمل کند و بر بیهوده گویی و ناسپاسی ایشان صبر کند. با ایشان مزاح کند و بازی کند و گرفته نباشد و به درجه عقل ایشان باشد. مزاح و بازی بدان حد نرساند که هیبت وی جمله بیفتد و با ایشان در هوای باطل مساعدت نکند و اگر کاری بیند خلاف مروت و شریعت، تنبیه کند و نباید که مسخر زنان شود» (غزالی، ۱۳۸۱: ۳۰۰).

در بحث حقوق مردان و زنان تمام شرایط را برای تعالی و کمال مرد لازم می داند. گویی رسیدن به کمال، برای زنان تعریف نشده است. یا از نگاه او زنان استحقاق رسیدن به کمال را ندارند. غزالی «هیچ کجا از وظیفه متقابل شوهر برای فراهم کردن اسباب کمال زن در علم و عمل و عبادت سخنی به میان نمی آورد و ضرورتی نمی بیند که مانند آنچه را درباره زن گفت در مورد شوهر هم بگوید» (رحیم پور، ۱۳۹۱: ۷۸).

غزالی در مورد حقوقی که شوهر بر گردن زن دارد می گوید: حق مرد عظیم تر است بر زن که وی به حقیقت بنده مرد است و در خبر است که «اگر سجود جز خدای را روا بودی زنان را سجود فرمودندی برای مردان» (غزالی، ۱۳۸۱: ۳۰۵).

این حدیث، سند صحیح و قابل اعتمادی دارد؛ اما نکته قابل تأمل این است که پیامبر (ص) در چه موقعیتی و در پاسخ به چه مسأله ای چنین جمله ای بیان کرده است. آیا قصد پیامبر (ص) از گفتن این جمله قرار دادن زنان در ردیف بردگان مرد بوده است؟ صورت کامل حدیث مسأله را آشکار می کند: «أَنَّ قَوْمًا أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا رَأَيْنَا أَنَا سَاءَ يَسْجُدُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۵۰۸)؛ «گروهی نزد رسول خدا (ص) آمدند و گفتند: مردمانی را می شناسیم که در برابر یک دیگر به سجده می افتند. پیامبر (ص) فرمود: اگر سجده بر غیر خدا جایز بود، به زن فرمان می دادم که شوهر خویش را سجده کند». قطعاً بیان این جمله در پاسخ به اشتباه گروهی از مردان بیان شده، منظور صدور حکمی کلی نبوده است. اما چرا این حدیث به این شکل و به صورت ناقص ذکر شده است؟ شرایط زندگی زنان در دوران جاهلیت، زمان حیات پیامبر (ص) و سپس در دوران اسلامی، نشان دهنده وجود انحطاط فکری آشکار در جامعه است تا جایی که حتی احادیث نبوی در راستای این انحرافات تغییر یافته یا تقطیع شده است. تفکر جامعه عربی پس از رحلت پیامبر (ص)، بازگشت به سنت های جاهلی کرد و در این زمینه سیاست های خلفا به خصوص خلیفه دوم بسیار موثر بود. یکی از اقدامات خلیفه دوم ایجاد محدودیت برای حضور زنان در نمازها و علم آموزی بود. به این ترتیب ارتباط زنان با

اصلی ترین پایگاه فرهنگی اجتماعی (مساجد) محدود می شد. از طرف دیگر سیاست منع نقل و نگارش حدیث و شعار «حسبنا کتاب الله» که از زمان خلیفه دوم گسترش یافت، باعث می شد سیاست های اصلی پیامبر (ص) پنهان بماند و راه برای بازگشت سنن جاهلی و مفاهیم جدید در زمینه مسائل فرهنگی و اجتماعی از جمله مسائل مربوط به زندگی زنان باز شود. این مسأله تا سال های بسیار بر جامعه اسلامی تأثیرگذار بوده است.

۴- نتیجه گیری

در این پژوهش، به تحلیل انتقادی دیدگاه غزالی در مسائل مربوط به زنان و زمینه های اجتماعی تأثیرگذار بر این دیدگاه پرداخته شد. تفکرات غزالی در مسائل زنان، صرفاً تأثیر پذیرفته از قرآن و سنت نیست. سیاست های خلفای بعد از پیامبر (ص) چون خلیفه دوم و شرایط جامعه اسلامی پس از پیامبر (ص)، در شکل گیری تفکرات او نقش قابل ملاحظه ای ایفا کرده است.

غزالی در مسأله ازدواج بر مقوله فرزندآوری تأکید دارد و دلیل اصلی ازدواج را به دنیا آوردن فرزند می داند. این در حالی است که آیات مختلف قرآن، دلیل ازدواج را به آرامش رسیدن مرد و زن، رسیدن به معنویت و بقای نسل معرفی می کند. تأکید غزالی بر فرزندآوری شباهت به تفکرات جامعه عربی دارد که توجه به فرزندآوری زنان و تداوم نسل اهمیت قابل توجهی داشت. رفتار خلیفه دوم در ازدواج نمونه ای از تفکرات عمومی جامعه عربی در مسأله ازدواج با زنان است.

در نگاه غزالی رضایت دختر در امر ازدواج در صورت حضور پدر لازم و ضروری نیست. این مسأله مطابق با رسوم جاهلی است که در ازدواج دختر (باکره) تصمیم گیری به عهده ولی او بود.

غزالی قوه تشخیص زنان را ضعیف می داند، از این رو به مخالفت با رأی و نظر زنان معتقد است. این مسأله به صورت واضحی متأثر از فرهنگ جاهلی عربی است که در آن زنان موجودی فاقد قوه تشخیص و ناقص العقل پنداشته می شدند.

در سخنان غزالی جملاتی در خصوص آفرینش زنان وجود دارد که اندیشه آفرینش زنان از دنده چپ مردان را به یاد می آورد. این تفکرات پس از رحلت پیامبر (ص) تحت تأثیر آیین یهود در عرف جامعه اسلامی رواج یافته است.

اندیشه های غزالی در مورد عدم حضور زنان در اجتماع و حصر زنان در خانه متأثر از اندیشه های خلیفه دوم در مورد خانه نشینی زنان است. خلیفه دوم برای علم آموزی زنان و حضور ایشان در اجتماعات دینی محدودیت ایجاد کرد. به نظر می رسد این محدودیت ها با گسترش فتوحات، افزایش کنیزان در جامعه اسلامی و فساد عمومی جامعه ارتباط مستقیم داشته است.

غزالی در بیان حقوق همسران، حقوق متقابلی برای ایشان قائل نیست و حق مرد بر زن را بسیار عظیم تر می داند؛ زیرا زن را در جایگاه همسر، هم رتبه بردگان و بندگان مرد به حساب می آورد و این مسأله با انحطاط فکری آشکار در جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) مرتبط است.

بررسی اندیشه‌های غزالی در مورد زنان نشان‌دهنده وضعیت فرهنگی و فکری جامعه اسلامی در زمان حیات غزالی است. پس از رحلت پیامبر (ص) بازگشت سنت‌های جاهلی به جامعه اسلامی و سیاست‌های خلفا به تغییرات فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای در جامعه اسلامی منجر شد و این تغییرات وضعیت زنان را در خانواده و جامعه مورد هدف قرار داد. نفوذ و عمق این تغییرات به اندازه‌ای بود که حتی متفکران و اندیشمندان نیز این تفکرات را تفکرات اسلامی پنداشتند و بدعت‌های نوپدید را تفکر الهی دانستند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۶) ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم: عصر رهایی
- کتاب مقدس (۱۳۸۰) عهد عتیق و عهد جدید، تهران: اساطیر
- ابن ابی طالب، علی (۱۳۸۰) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور
- ابن خلکان البرمکی الإربلی، أبو العباس شمس‌الدین أحمد (۱۹۰۰ م) وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، به تحقیق إحسان عباس، بیروت: دار صادر
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ ق) الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۸ ق) عیون الاخبار، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ابن عبد ربه الاندلسی، احمد بن محمد (۱۴۰۹ ق) العقد الفرید، (جلد ۶)، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- پیشوایی، مهدی؛ فریده پیشوایی (۱۳۸۹) گونه‌های طلاق در جاهلیت و تحول نظام طلاق جاهلی با ظهور اسلام، فصلنامه تاریخ در آئینه پژوهش، ۷ (۳)، ۴۹-۷۴ <https://www.sid.ir/paper/478889/fa>
- حکیم‌پور، محمد (۱۳۸۲) حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران: نغمه نواندیش
- علی، جواد (۱۴۱۳ ق) المفصل فی التاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ قاسم زائری (۱۳۸۷) سیاست‌گذاری فرهنگی پیامبر اسلام (ص) و تأثیر آن بر موقعیت فرهنگی-اجتماعی زنان در زیست جهان جاهلی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۶ (۴)، ۳۸-۵

https://jwdp.ut.ac.ir/article_27694.html

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳) زن در آئینه جمال و جلال، قم: اسراء

راوندی، مرتضی (۱۳۶۹) تاریخ اجتماعی ایران، (جلد ۷)، تهران: نگاه

رحیمپور، فروغ‌السادات (۱۳۹۱) نقدی بر جایگاه زن در اندیشه غزالی، فصلنامه پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳ (۱) ۱۰۰-۷۱ https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_828.html

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹) روزگاران، تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، چاپ دوم، تهران: سخن

سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۰) تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری‌نیا، تهران: علمی فرهنگی

ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۵) تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از فارابی تا شریعتی، تهران: ندای آریانا

سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۸۱) گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ ششم، تهران: خوارزمی

شیخ صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ ق) من لایحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۴) تاریخ ادبیات ایران، چاپ بیست و سوم، تهران: ققنوس

غزالی، محمد بن محمد (۱۳۷۷) احیاء علوم الدین، ترجمه مویدالدین محمد خوارزمی، تهران: علمی فرهنگی

_____ (۱۳۶۱) نصیحه الملوک، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: بابک

_____ (۱۳۸۱) کیمیای سعادت، تصحیح احمد آرام، چاپ هشتم، تهران: گنجینه

غنی، قاسم (۱۳۸۶) تاریخ تصوف در اسلام؛ تطورات و تحولات مختلفه آن از صدر اسلام تا عصر حافظ، چاپ دهم، (جلد ۲-۳)، تهران: زوار

فتاحی‌زاده، فتحیه (۱۳۸۶) زن در تاریخ اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۹) شاهنامه فردوسی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ پنجم، تهران: قطره

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق) الکافی، به تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية

مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین (۱۳۷۰) مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، (جلد ۲)، تهران: علمی فرهنگی

مسلم، ابن حجاج نیشابوری (بی‌تا) الصحیح، بیروت: دار الفکر

مبلغ، سید محمدحسین (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت، ادیان، اسلام و فمینیسم، فصلنامه پژوهش های قرآنی، ۷ (۲۷-۲۸)،
http://jqr.isca.ac.ir/article_22315.html ۲۲۳-۱۹۴

مشارقه، محمد زهیر (۱۹۸۸ م.) الحیاه الاجتماعیه عند البدو فی الوطن العربی، دمشق: دار طلاس

معموری، علی؛ زهرا خوش سخن مظفر (۱۳۸۹) بررسی تاریخی جایگاه زن در جاهلیت و قرآن با توجه به آیه ضرب، فصلنامه پژوهش نامه
علوم و معارف قرآن کریم، ۱ (۶)، ۷۳-۹۴ <https://ensani.ir/fa/article/299692>

منتظری مقدم، حامد (۱۳۸۴) گونه های ازدواج در عصر جاهلی، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۴ (۸)، ۱۲۷-۱۵۶
<https://ensani.ir/fa/article/46078>

مهریزی، مهدی؛ مریم مشهد علی پور (۱۳۸۹) نگاهی دوباره به ویژگی های زن در عصر جاهلیت، فصلنامه بانوان شیعه، ۷ (۲۳)، ۷-۳۶
<https://ensani.ir/fa/article/291284>

نوری، یحیی (۱۳۵۷) اسلام و عقاید و آراء بشری، (یا جاهلیت و اسلام)، چاپ هشتم، تهران: مجمع مطالعات اسلامی و مجمع معارف
اسلامی

واعظی، محمدجواد (۱۳۸۸) وضعیت زن در جاهلیت، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۶ (۴)، ۱۳۵-۱۵۹

<https://ensani.ir/fa/article/46547>

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق) المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: موسسه الأعلمی

هاشم پور مولا، سید محمد هاشم؛ افسردیر، حسین (۱۳۹۳) معنا شناسی عقل در روایات انّ النساء نواقص العقول، فصلنامه پژوهش نامه
علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵ (۲)، ۱۹-۴۸

https://alavi.ihcs.ac.ir/article_1494.html

Critical analysis of Ghazali's thoughts about women based on the historical context of Islamic society

Abstract

Imam Muhammad Ghazali is one of the most prominent thinkers and the most influential religious scholars who called for the reform and revival of religion, he is one of the leaders of the movement of returning to Salaf Salih. the teaching of the principles and pillars of religion, the way of governance and other customs such as marriage customs have been taken into consideration in his works, in which he also mentions his opinions about women. In this research, Imam Mohammad Ghazali's view on issues related to women was explored and investigated with descriptive analytical method and critical approach, then the historical, cultural and social contexts influencing Ghazali's thinking were analyzed. In the Ghazali's works, there are thoughts about women that contradict the tradition of the Prophet (PBUH) and his practice. A closer examination of his views on women reveals the cultural view of the society in which Ghazali lived. It seems that some of Ghazali's views were influenced by Jaheli culture and changes in Islamic society after the death of the Prophet (PBUH). The presence of orders such as consulting with women and acting contrary to it or women being created from crooked ribs, locking women at home and depriving them of education, placing women in the ranks of servants and slaves, and emphasizing the function of women bearing children are the topics emphasized in the thoughts of It is a ghazali that is directly related to the cultural changes of the Islamic society after the death of the Prophet (PBUH).

Key words: Jahili society, Islamic society, position of women, misogyny, Imam Mohammad Ghazali